

مقایسه معانی بلاغی «أو» در ترجمه قرآن ولی الله دهلوی، میدی و فولادوند

۱- جواد عصارودی

۲- محمود عباسی

۳- عبدالعلی اویسی کهخا

چکیده

«أو» حرف ربطی است که در عربی، بیشتر به معنی تخییر آمده است و در فارسی به «یا» ترجمه می‌شود اما در قرآن، این حرف، از نظر بلاغی و کاربردهای علم معانی، مفاهیم مختلفی را در برمی‌گیرد مانند ابهام، بل، اباحه، شک، تبعیض و تقسیم. دهلوی در ترجمه خود، تناسب معنایی بین ترجمه با معنای ثانوی حرف «أو» را رعایت کرده و به نقش آن در زبان عربی و معانی بلاغی آن، توجه نموده است. پژوهش حاضر با روش تحلیل مقایسه‌ای به بیان معانی مختلف حرف «أو» و بررسی کاربرد بلاغی آن در ترجمه‌های مذکور پرداخته است و به این سؤال اصلی پاسخ می‌دهد که کدام یک از ترجمه‌های ولی الله دهلوی، میدی و فولادوند، بیشترین رویکرد را به کاربرد معانی بلاغی «أو» داشته‌اند. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که ولی الله دهلوی در مقام مقایسه، در ترجمه حرف «أو»، بیشترین رویکرد را به معانی بلاغی آن نسبت به دو مترجم دیگر داشته است.

کلید واژه‌ها: قرآن، ترجمه، بلاغت، حرف «أو».

۱- مقدمه

حرف در زبان عربی به کلمه‌ای گفته می‌شود که بر معنای خود به تنهایی دلالت نکند بلکه برای دلالت بر معنایش، نیازمند به اسم یا فعل باشد. (شرتونی، ۱۳۸۸: ۱۵۹/۴) آوردن کلمات، با دقت در ترکیب

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

^۲ - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) Email: abbasi@lihu.usb.ac.ir

^۳ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

نحوی جمله، باعث می‌شود حروف، بر معانی جملات، تأثیر بسزایی داشته باشند. بعضی از حروف هم زائد هستند و هیچ نقشی در زبان مقصد ندارند. البته گاهی ضرورت مفهوم کل جمله، یا مضمون اعتقادی آن، باعث می‌شود تا حروف، معانی خود را رها کرده با معنای بلاغی، در جمله تأثیر بگذارند. در ترجمه دو دیدگاه اساسی وجود داشته که یکی با ادعای امانتداری و دوری از خیانت، سعی کرده الفاظ را تحت اللفظی ترجمه نماید. اما دیگری با در نظر گرفتن معنا و محتوا به زیبایی و روانی ترجمه معتقد بوده است؛ لذا برخی ترجمه را با توجه به نوع متن و اینکه هدف ترجمه وفاداری به نویسنده اصلی است یا خواننده ترجمه، به دو نوع «معنایی» و «ارتباطی» تقسیم کرده‌اند. (ناظمیان، ۲۴، ۱۳۹۰)

ضرورت زمان و نیاز القای معانی دینی به خوانندگان، وظیفه مترجم قرآن را سنگین کرده است؛ بنابراین این مترجم قرآن، باید تسلط بر نحو عربی و نیز تفاسیر معتبر، داشته باشد تا بتواند معنا را به درستی بیان نماید. استفاده درست از معادل فارسی نیز، ضرورتی انکار ناپذیر است.

۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

این مقاله می‌کوشد تا با بیان نکات نحوی و نیز اقوال مفسرین، معانی بلاغی حرف «أو» از ترجمه شاه ولی الله دهلوی را مورد بحث قرار دهد. در این مسیر، تلاش شده مقایسه‌ای بین ترجمه‌های فولادوند و میبیدی انجام شود تا با دقت در سؤالات ذیل، نظریه مفیدی در این مسیر به دست آید:

- معانی بلاغی حرف «أو» در قرآن، چه صورت‌هایی دارد؟

- شاه ولی الله تا چه اندازه به این معانی بلاغی توجه کرده، چه شباهت و تفاوتی با ترجمه فولادوند و میبیدی دارد؟

- عدم استفاده از معانی بلاغی حرف «أو»، در ترجمه تا چه حد نشان دهنده قوت و ضعف آن است؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

حرف «أو» متناسب با روشی که در جمله استفاده شده، می‌تواند معنای معمول و رایج تخییر را داشته باشد یا اینکه معانی بلاغی ابهام، حرف عطف «واو»، «بل»، اباحه، شک، تبعیض و تقسیم را داشته باشد. شاه ولی الله محدث دهلوی ترجمه‌ای ممتاز در بین ترجمه‌های قدیم و جدید

دارد. (افخمی و خلیفه لو، ۱۳۹۰: ۸) اثر وی به حق یکی از شاهکارهای صورت پذیرفته در عرصه ترجمه قرآن می‌باشد. (انصاری، ۱۳۷۵: ۱۰۶). نکات نحوی و تفسیری، زیر بنای استفاده و ترجمه حروف است. هر چند در ترجمه متون دینی، غالباً نگاه تحت اللفظی مقبولیت بیشتری دارد اما بسیاری از مترجمین در دوره‌های مختلف به تفسیر و ترکیب آیات نیز نظر داشته‌اند. این مقاله کوشیده است تا معانی بلاغی حرف «أو» را در تحلیل تطبیقی ترجمه قرآن شاه ولی الله دهلوی با ترجمه فولادوند و میبیدی مورد بررسی قرار دهد.

برای وضوح بیشتر مطلب، ترجمه را با ترجمه فولادوند و میبیدی نیز مقایسه نموده و تفاوتها را شرح داده است.

۱-۳- روش تفصیلی تحقیق

در بررسی معانی بلاغی حرف «أو»، ابتدا آیات متفاوتی که در آنها این «حرف»، استفاده شده است انتخاب شد. در ادامه، معنای به کار رفته در این جملات، در کتب مختلف تفسیر، اعراب القرآن و مشکل القرآن، بیان گردید. ضمن بررسی معانی بلاغی حرف «أو» در ترجمه دهلوی، ترجمه‌های فولادوند و میبیدی نیز، مورد بررسی قرار گرفته است. انتخاب سه مترجم از سه قرن مختلف، باعث شده است تا این مقاله، رویکردی تطبیقی بین قرن‌های مختلف نیز داشته باشد.

۱-۴- پیشینه تحقیق

بررسی معانی بلاغی، یکی از موضوع‌هایی است که در پایان نامه‌ها و مقالات مختلف مد نظر محققین قرار گرفته است. برخی به یکی از معانی بلاغی نظر داشته و برخی به معانی بیشتر. مقاله «مصاحبت، در حروف جر عربی و حروف اضافه فارسی» نوشته نرگس گنجی و سمیه کاظمی نجف آبادی (۱۳۸۹)، ارتباط بین حروف جر عربی و حروف اضافه فارسی را بررسی کرده است. مقاله «تعلیل در معانی حروف جر عربی و حروف اضافه فارسی» نوشته سید محمد رضا ابن الرسول و سمیه کاظمی نجف آبادی (۱۳۹۱) به معانی بلاغی حروف جر، پرداخته است. این مقاله هم بحث تعلیل در حروف جر را مطرح کرده است. مقاله «بررسی حروف معانی در عربی و فارسی» نوشته سید حمید طیبیان (۱۳۸۶)، به بررسی معانی حروف معانی در نظم و نثر فارسی پرداخته است. مقاله «معنی شناسی حرف فاء در قرآن و چالش‌های ترجمه آن به زبان فارسی با تکیه بر دستور زبان عربی»، نوشته عیسی متقی زاده و محمد رضا احمدی (۱۳۹۵) چاپ شده در مجله پژوهش‌های ترجمه عربی در زبان و ادبیات، به بررسی حرف «فاء» در ترجمه‌های الهی قمشه‌ای،

فولادوند و خرمشاهی پرداخته است. مقاله «نقد و بررسی ترجمه شاه ولی اله دهلوی» نوشته ابراهیم فلاح (۱۳۹۳) به بررسی لغزش‌های این ترجمه از لحاظ صرف و نحو، ترجمه واژگان، عربی زدگی در کاربرد واژگان و اشکال‌های وارد شده بر انواع جمله می‌باشد. مقالات دیگری نیز شبیه موارد ذکر شده وجود دارد اما تا کنون معانی بلاغی حرف «أو» در ترجمه شاه ولی الله بررسی نشده است.

۲- بحث و تحلیل

«أو» یکی از حروف عطف است که در زبان عربی غالب اوقات به معنای مخیر بودن بین دو شیء استفاده می‌شود؛ گاهی هم به معنی واو استفاده شده است. (دینوری، ۱۴۳۲: ۳۶۵) البته به معنای «بل» و ابهام، واو عطف، اباحه، شک، تبعیض و تقسیم نیز به کار می‌رود. (ابن اسحاق، ۱۹۸۴: ۱۳)

۲-۱- معنای تخییر

در آیه «فَدَيْتَهُ مِّنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ» (بقره: ۱۹۶) فرد مکلف، به انجام یکی از این سه مورد، برای فدیة دادن، مخیر شده است؛ لذا معنای تخییر کاملاً نمایان است. (دینوری، ۱۴۳۲: ۳۶۵) با توجه به اینکه در زبان فارسی، برای معادل حرف «أو»، حرف «یا» استفاده می‌شود مترجم هم به درستی معنای تخییر را استفاده کرده است: «پس لازم است عوض آن، روزه یا صدقه یا قربانی.» (دهلوی، ۱۴۱۷: ۴۴)

این معنا در ترجمه فولادوند نیز کاملاً به همین صورت رعایت شده است: «به کفار [آن، باید] روزه‌ای بدارد، یا صدقه‌ای دهد، یا قربانی بکند.» (فولادوند، ۱۳۹۳: ۳۰)

میبیدی نیز به معنای تخییر نظر دارد؛ اما چون مسلک فقهی خویش را در ترجمه برای وضوح مطلب، مورد نیاز دانسته است تفسیر گونه، روزه و صدقه و قربانی را مشروح نموده است: «خویشتن از حرج باز خرد بسه روز روزه یا فرقی از طعام که بدرویشان دهد یا ریختن خون گوسپندی» (میبیدی، ۱۳۸۲: ۵۲۳/۱)

یکی دیگر از مواردی که معنای تخییر، به درستی در ترجمه دهلوی رعایت شده است آیه «أَوْ لَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَكَّرُونَ» (توبه: ۱۲۶) می‌باشد. خداوند در این آیه، به بیان عذاب دنیوی منافقین پرداخته است؛ که به انتخاب پروردگار، در سال، یک یا دو بار، رسوا می‌شوند؛ تخییر این آیه، مرتبط با حکمت الهی است. «آیا نمی‌بینید که ایشان

سزا داده می‌شوند در هر سال یک بار یا دوبار، باز توبه نمی‌کنند و نه ایشان پند می‌گیرند.» (دهلوی، ۱۴۱۷: ۳۰۳)

میبدی و فولادوند نیز به معنای تخییر به درستی اشاره کرده‌اند: «نمی‌بینند منافقان که ایشانرا می‌آزمایند در هر سالی یکبار یا دوبار و آنگه توبه نمی‌کنند و نه پند می‌پذیرند.» (میبدی، ۱۳۸۲: ۲۳۴)، «آیا نمی‌بینند که آنان در هر سال، یک یا دو بار، آزموده می‌شوند، باز هم توبه نمی‌کنند و عبرت نمی‌گیرند؟» (فولادوند، ۱۳۹۳: ۲۰۷).

در آیه «أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى» (بقره: ۱۴۰) مترجم در این آیه نیز به درستی حرف «أو» را با مفهوم تخییر ترجمه کرده است: «آیا می‌گوئید که هر آئینه ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نبرگان او یهود بودند و یا ترسا بودند.» (دهلوی، ۱۴۱۷: ۳۰) یعنی آنان مخیر به اعتقاد خود بوده و هر کدام، هر چه خواستند را برگزیدند. فولادوند نیز به درستی همان معنای تخییر را انتخاب نموده است: «یهودی یا نصرانی بوده‌اند؟» (فولادوند، ۱۳۹۳: ۲۱).

ولی میبدی، با ترجمه‌ای تفسیر گونه از ترجمه «أو» به معنی تخییر و استفاده از حرف عطف «یا» که در فارسی مشهور است، طفره رفته به جای «یا» از حرف عطف «واو» استفاده کرده است: «یا می‌گوئید که ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اسباط جهودان بودند و ترسایان می‌گویند که ایشان ترسایان بودند» (میبدی، ۱۳۸۲: ۳۷۹/۱). او در این قسمت، دقیقاً معنای تبعیض را هدف داشته که در همین مقاله با آیه «وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا» (بقره: ۱۳۵) بررسی خواهد شد.

علی رغم شباهت بسیار این دو مطلب با یکدیگر، تفاوت در اینجاست که ادعای آنان که مطرح شود، هر کدام به نفع خویش، ادعا می‌کند؛ لذا در آیه «بقره: ۱۳۵» تبعیض کاملاً نمایان است اما وقتی که از اصل مسأله سوال می‌شود، فرق بین هدایت و ضلالت، پرسیده می‌شود؛ یعنی آیا شما گمان کرده‌اید که آنها در فرقه‌های مورد ادعای شما هستند یا خود بر مسیر هدایت با انتخاب خویش رفته‌اند؛ لذا ترجمه با حرف «یا» درست‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا عطف مفرد بر مفرد در زبان مبدأ را به عطف جمله بر جمله در زبان مقصد برده است اما منظور آیه، ابراز نوعی شک و تردید در ضمن تخییر است ولی مترجم با آوردن «واو»، قعطیت را به معنا، افزوده که مراد آیه چنین نیست.

۲-۲- او به معنای «او»

استفاده از حرف عطف، برای بیان مغایرت و تفاوت بین دو کلمه یا دو معنا یا دو جمله، با حرف عطف «او» انجام می‌گیرد. یعنی می‌خواهند، صرف دو کلمه یا دو جمله را با هم بیاورند و قصد دیگری ندارند. از حرف «او» نیز، چنین استفاده‌ای شده است. مترجم در چنین صورتی، برای فهم بیشتر خواننده، باید سعی کند تا به جای «یا» از «او» در ترجمه، سود برد تا مضمون به درستی انتقال یابد.

شاه ولی الله دهلوی و نیز ترجمه میبیدی از آیه «فَالْمُلْكِاتِ ذِكْرًا* عُدْرًا أَوْ نُذْرًا» (مرسلات: ۵، ۶)، «او» را به معنی «او» گرفته است: «برای دفع عذر و برای ترسانیدن» (دهلوی، ۱۴۱۷: ۸۶۷)، «عذر باز نمودن را و آگاه کردن را» (میبیدی، ۱۳۸۲: ۳۳۱/۱۰).

اما فولادوند به این مفهوم توجهی ندارد و فقط از معنای مشهور «او» که در فارسی با «یا» می‌آید استفاده کرده است: «خواه عذری باشد یا هشدار» (فولادوند، ۱۳۹۳: ۵۸۰).

مبنای این تفاوت، در ترکیب «عُدْرًا أَوْ نُذْرًا» می‌باشد؛ اگر «عذر» و «نذر» هر دو مصدر باشند، از لحاظ نقشی در جمله، «مفعول له» یا بدل از «ذکرًا» هستند. در این صورت، منظور از عطف، انتخاب یکی از «عذر» یا «نذر» است و معنای تخییر، برای حرف «او» مناسبت دارد. اما اگر جمع «عذیر» و «نذیر» باشند حال از ضمیر مستتر در «ملقیات» خواهند بود و تقدیر عبارتش «معذیرین و منذرین» خواهد بود. (مصطفی درویش، ۱۴۱۵: ۳۳۳/۱۰)

فولادوند با آوردن «خواه .. یا ..» مشخص نموده که ترکیب اولی را برگزیده است؛ یعنی «عذر و نذر» هر کدام، بدل از «ذکر» می‌باشد. پس کلمات جانبی جمله، باعث تصحیح معنای مورد استفاده وی شده است و ترجمه‌اش را درست نشان می‌دهد.

اما شاه ولی الله دهلوی و میبیدی، از «برای» و «را» استفاده نموده‌اند. -حرف اضافه «را»، به معنی «برای» است. - مشخص است که ترجمه این دو، حالت و چگونگی را بیان می‌کند؛ رویه این دو، مشخص می‌سازد که آنها نیز عالمانه و عامدانه از «او عطف» برای عطف ترجمه «عذر و نذر» استفاده نموده‌اند.

با این توضیح، تفاوتی که در این دو ترجمه دیده می‌شود در ترکیب آیه، وجود دارد. اما هر کدام، به طوری ترجمه کرده‌اند که دقیقاً، ترکیب درستی را مد نظر داشته‌اند و نمی‌توان هیچ‌کدام را نادرست شمرد. اما ظاهر جمله، نشان از ترجیح ترجمه شاه ولی الله دهلوی دارد. زیرا نقشی که به

کلمات متصل، ربط یابد پسندیده‌تر از آن است که به کلمه‌ای دورتر مرتبط گردد. هر چه تکلف کمتر باشد، دقت ترکیب هم در آن بیشتر است.

در آیه «لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه: ۴۴) هر چند دینوری در تأویل مشکل القرآن خود، «او» را فقط به معنی «واو» گرفته است (دینوری، ۱۴۳۲: ۳۶۵) شاه ولی الله دهلوی این رویه را رعایت نکرده است. این مطلب نیز ریشه در مفهوم ترکیب جمله و نقش آن در زبان عرب دارد. «لعله يتذكر» «ترجی» است که می‌تواند به معنی خود «ترجی» باشد؛ خداوند، موسی (ع) و هارون (ع) را به سوی فرعون فرستاده است و به آن دو، امر می‌کند تا با وی به نرمی سخن بگویند. ادامه این قسمت که مورد بحث ماست، سه احتمال دارد: یا به امید موسی (ع) و هارون (ع) در این پند پذیری فرعون اشاره می‌کند؛ یا اینکه علت را بیان می‌نماید که برای دست یافتن به این پند پذیری و کسب خشیت الهی، باید گفتاری نرم با او داشته باشید. یا اینکه مفهوم استفهام در آن رعایت شده است. (مصطفی درویش، ۱۴۱۵: ۱۹۸/۶)

نتیجه این ترکیب‌ها در صورت ترجی، به معنای تخییر نزدیک است؛ زیرا پیامبران خدا امیدوارند که فرعون پند بگیرد و از گفتارشان استفاده نماید یا اینکه از عذاب الهی بترسد. در صورتی که علت، نرمی گفتار قرار گرفته است؛ نرمی گفتار، باعث بر پند پذیری است و پند پذیری، باعث بر خشیت الهی است؛ لذا در این صورت به معنی «واو» نزدیک‌تر است. اگر هم معنای استفهام، لحاظ شود، معنای «تخییر» مناسب‌تر خواهد بود.

شاه ولی الله در ترجمه این آیه به معنای ترجی همراه با تخییر توجه داشته است؛ لذا در نزد او، استفاده از معنای مشهور حرف «او» در فارسی به صورت «یا» تناسب بیشتری دارد: «پس بگوئید با وی سخن نرم، بود که پندپذیر شود یا بترسد.» (دهلوی، ۱۴۱۷: ۳۱۴). یعنی چنین امیدی هست که پند بپذیرد یا خشیت حاصل کند.

فولادوند نیز چنین نظری دارد؛ او هم معنای تخییر را ترجیح داده است: «شاید که پند بپذیرد یا بترسد.» (فولادوند، ۱۳۹۳: ۳۱۴). پس این هر دو ترجمه، به معنای ترجی آمده و استفاده از «یا» دقت و صحت بیشتری دارد.

ولی میبیدی به معنی «واو» گرفته است و دو جمله را بر هم عطف نموده است: «تا مگر او پند پذیرد و بترسد.» (میبیدی، ۱۳۸۲: ۱۱۶/۶) یعنی بنابر گفتار شما به هدف اصلی که پندپذیری و ترس

الهی است برسد. کاملاً مشخص است که معنای علت و معلول را برگزیده و ترجمه به حرف «او» را مناسب و دقیق دیده است.

لذا تفاوت مطرح شده در بین این سه ترجمه، نشان از عدم دقت مترجمین یا اشتباه آنها در ترجمه نیست؛ بلکه ترکیب‌های مختلف را مد نظر داشته‌اند و به درستی، مطلب مد نظر خود را ترجمه نموده‌اند. اما تخییر در این رابطه، با توجه به قدرت سیاسی و اجتماعی فرعون در مقابل موسی (ع)، دقیق‌تر است. هر چند پیامبر خدا آمده تا دعوت دهد و در این دعوت، بیان علت و معلول وجود دارد؛ ولی خداوند، فردی از طبقه ضعیف جامعه را برای دعوت قدرت سیاسی مدعی خدایی فرستاده است. لذا می‌طلبد که پیامبر، موقعیت را رعایت نموده، دانش بشری خود را لحاظ کند و به تخییر و انتخاب یکی از دو گزینه، نظر داشته باشد. علاوه از این، در خود پند پذیری، معنای علت و معلول، وجود دارد و نیازی به تکرار مجدد آن نیست؛ لذا به نظر می‌رسد ترجمه شاه ولی الله و فولادوند از ترجمه میبیدی، صحیح‌تر باشد.

۲-۳- «او» به معنی «بل»

وقتی از بیان مطلب، موضوعی در اذهان، شکل بگیرد، ولی در ادامه، با آوردن حرف دیگری، خلاف قول قبلی را ترجیح دهند؛ در این صورت، اصطلاحاً استدراک انجام گرفته است. حرف استدراک در عربی، «بل» می‌باشد. استفاده از حرف «او» برای چنین مضمونی، نشانگر این مطلب است که «او» معنای تخییر و ابهام و امثال آن را ندارد، بلکه برای استدراک استفاده شده است. یعنی آنگونه که شما می‌پندارید نیست، بلکه اصل موضوع، مطلبی است که بعد از «او» به کار می‌رود.

در آیه «إِلَّا كَلِمَٰةٍ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ» (نحل: ۷۷)، «او» به معنی «بل» آمده است. (ابن اسحاق، ۱۹۸۴: ۱۳) سرعت انجام قیامت در این آیه، به حرکت آنی حدقه چشم، تخمین زده شده است؛ اما از این جهت که این حرکت، نیازمند حرکت اندامهای مختلف چشم است و زمانی ولو اندک، طول می‌کشد در معطوف بودن با «او» همین زمان نیز به حداقل آن رسیده است؛ لذا معنای «او» در اینجا، استدراک است؛ یعنی نه تنها به این اندازه نیست بلکه از این هم کمتر خواهد بود. (فخررازی، ۲۰: ۱۴۲۰ / ۲۵۰) این مطلب را شاه ولی الله دهلوی با دقت، بیان کرده، فقط از «بلکه» استفاده نموده است: «مگر مانند چشم بهم زدن، بلکه نزدیک‌تر است.» (دهلوی، ۱۴۱۷: ۴۰۱).

فولادوند، همان معنای مشهور حرف «أو» که معمولاً با «یا» استفاده می‌شود را به کار برده است: «جز مانند یک چشم بر هم زدن یا نزدیکتر [از آن] نیست.» (فولادوند، ۱۳۹۳: ۲۷۵). این معنا، شاید به قطعی نبودن یکی از دو طرف حرف «أو» اشاره نماید، اما مضمون استدراک را نمایان نساخته است. با این توضیح، مشخص است که فولادوند، دقت آیه در کمترین زمان، برای برپایی قیامت را رها کرده است و طوری ترجمه نموده که هیچ فرقی بین این دو نباشد.

میبدی از حرف عطف «واو» استفاده کرده است: «مگر چون تاوش چشم و از آن نزدیکتر» (میبدی، ۱۳۸۲: ۴۱۰/۵). در این روش، دو فاصله زمانی مغایر از هم دیده شده، اما مشخص نیست که در فاصله کمتر، انجام گرفته باشد.

پس دقت شاه ولی الله در معنای ثانوی حرف «أو»، نشان از دقت مترجم است. دو ترجمه دیگر، با «یا» و «واو» نتوانسته این معنا را بیان نماید.

۲-۴- معنای ابهام در أو

گاهی برای شنونده، در حرف «أو» ابهام انجام می‌گیرد، هر چند، متکلم از اصل مطلب آگاهی کامل دارد؛ مثل «قدم زید راغباً او راهباً». متکلم می‌داند که زید به خواست خویش آمده یا اینکه مجبور شده و حضور یافته است. با این وجود، مخاطب، از حالت آمدن وی، آگاهی ندارد و انتخاب بین این دو نیز برایش مبهم است. (ابن الصائغ، ۱۴۲۴: ۲/۶۹۵)

معنای ابهام در آیه «وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (سبأ: ۲۴) نمود کاملی دارد؛ زیرا مضمون آیه در هدایت و ضلالت یکی از این دو گروه، ابهامی را نشان می‌دهد. تکرار «أو» در این آیه، معنای ابهام را تأکید کرده است؛ زیرا برای مخاطب، مشخص نیست که کدامیک، دقیقاً بر هدایت باشند یا اینکه، بتوان یکی را برای هدایت برگزید. دهلوی به ترجمه تحت اللفظی آیه بسنده کرده است و معنای ابهام را به همین اندازه آورده است:

«و هر آینه ما یا شما بر هدایتیم یا در گمراهی ظاهر.» (دهلوی، ۱۴۱۷: ۶۲۷) اما این ابهام، نمود آشکاری در ترجمه ندارد. گویا لازم است تا از کلمات و قیود دیگری، استفاده شود که ترجمه، ابهام را واضح نشان دهد. دقت در این ترجمه موضوع را بهتر شرح می‌دهد: «و ما (که موحدیم) یا شما (که مشرکید) کدام در هدایت یا ضلالتیم (به زودی معلوم شما خواهد شد).» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۵:

(۴۳۱) در این ترجمه، بین انتخاب ما یا شما، نیز هدایت یا ضلالت، کاملاً ابهام دیده می‌شود. یعنی اصلاً نمی‌توان قدرت انتخاب داشت.

البته همین که معنای حرف «أو» قطعیت نیست و در هر کدام از معانی آن نیز این نکته دیده می‌شود باعث شده تا دیگر مترجمان هم به ترجمه و معادلی تحت اللفظی اکتفا کنند و نیاز به وضوح مفهوم ابهام را رها نمایند: «ما یا شما بر راه راستیم یا در گمراهی آشکارا.» (میبیدی، ۱۳۸۲: ۱۳۶/۸)، «و در حقیقت یا ما، یا شما بر هدایت یا گمراهی آشکاریم.» (فولادوند، ۱۳۹۳: ۴۳۱).

اما قطعاً این نقصی است که مترجم در ترجمه خود دارد و می‌بایست به آن دقت بیشتری بنماید. با این توضیح مشخص گردید که شاه ولی الله و فولادوند و میبیدی، هر کدام نیاز به توجه بیشتر در این آیه داشته‌اند.

برخی معنای «أو» را در آیه «أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ» (بقره: ۱۹)، نیز برای ابهام گرفته‌اند. (ابن اسحاق، ۱۳: ۱۹۸۴) تفسیر بحر المحيط این مطلب را رد کرده و می‌گوید، «أو» صرفاً در اینجا برای عطف است و بر جمله «كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ» عطف شده است. (ابن اثیر، ۱۴۲۰: ۱/ ۱۳۸) تفسیر «الدر المصون فی علوم الكتاب المکنون» پنج احتمال برای «أو» در اینجا ذکر کرده و قول برتر را، تفصیل مطلب، ذکر می‌کند. البته چهار صورت دیگر یعنی «ابهام، شک، اباحت و تخییر» را رد نکرده است. (سمین حلبی، ۲۰۰۸: ۱/ ۱۶۷) دهلوی، در ترجمه‌اش «داستان ایشان» را آورده ولی از ذکر باران زدگان، طفره رفته است: «یا داستان ایشان، مانند باران تند است.» (دهلوی، ۱۴۱۷: ۴) البته با این قید، معنای ابهام را نمودار ساخته است؛ زیرا مشخص نیست که داستان آنان، دقیقاً مشابه آیه قبلی است یا به این آیه، شباهت دارد.

ترجمه فولادوند، دقیقاً به معنی تفصیل توجه داشته و با اضافه کردن «کسانی که در معرض قرا گرفته‌اند» چنین مضمونی را در ذهن مخاطب، نمایان می‌سازد: «یا چون [کسانی که در معرض] رگباری از آسمان - که در آن تاریکیها و رعد و برقی است - [قرار گرفته‌اند]» (فولادوند، ۱۳۹۳: ۴). ترجمه «یا چون بارانی سخت از آسمان» (میبیدی، ۱۳۸۲: ۷۶/۱) کاملاً تحت اللفظی است؛ یعنی مخاطب را چنین نشان داده که هیچ ابهامی برایش نیست؛ در حالی که مخاطب، بین تشابه منافقین به یکی از این دو مثال، سردرگم است؛ او واقعاً نمی‌داند که کدام یک از این دو، بیان حالت منافقین است؛ آنقدر حالت منافق، سخت بوده، فرجامش نامفهوم است که مخاطب، بین انتخاب یا تخییر یا

حتی رد این دو شباهت، مانده است. پس شاه ولی الله دهلوی توانسته به معنای ابهام توجه داشته باشد.

۲-۵- اباحه

معنای اباحه در حرف «أو» وقتی استفاده می‌شود که بعد از فعل طلبی به کار رود؛ در این صورت، فعل طلبی -امر یا نهی و امثال آن- مطرح شده و جمع بین متعاطفین امکان پذیر است؛ اما در تخییر، جمع بین متعاطفین ممکن نیست؛ مثل این آیه «وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا» (انسان: ۲۴) (درویش، ۱۴۱۵: ۲/۴۶۵) در این آیه، فعل طلبی به کار رفته و جمع بین «آثما و کفورا» نه تنها ممکن است بلکه لازم می‌باشد؛ یعنی قطعاً، از گنهکار و ناسپاس نباید اطاعت کند؛ نه اینکه مخیر به اطاعت از یکی از آنان باشد. شاه ولی الله دهلوی به معنای اباحه توجه داشته است: «فرمان مبر از زمره بنی آدم، گناهکاری را یا ناسپاسی را» (دهلوی، ۱۴۱۷: ۸۶۶)؛ زیرا تکرار حرف «را»، مبین این نکته است که «گنهکار» و «ناسپاس» مفعول هستند و فعل «فرمان مبر» برای دومی نیز تکرار شده است. پس معنای اباحه را شاه ولی الله دهلوی در هر صورت، به درستی انجام داده است.

فولادوند، معطوف و معطوف علیه را پس از حرف «را» آورده است و چنین نشان می‌دهد که در هر صورت، این دو، مفعول «فرمان مبر» هستند: «و از آنان گناهکار یا ناسپاسگزار را فرمان مبر.» (فولادوند، ۱۳۹۳: ۵۷۹) در ترجمه وی، چون عطف بین دو مفرد انجام گرفته و هر دو مفعول یک فعل هستند، معنای تخییر هنوز باقی مانده است.

برخی از مترجمین هم با استفاده از قید «هیچ» چنین نشان داده‌اند که نباید از گنهکار و کافر، اطاعت کرد: «و از هیچ گنهکار یا کافری از آنان، اطاعت مکن» (انصاریان، ۱۳۹۴: ۵۷۹ و مکارم، ۱۳۸۰: ۵۷۹).

میبیدی بر خلاف این روش، ترجمه را با حرف «واو» عطف کرده است. علت اصلی تفاوت ترجمه وی، آوردن دو جمله برای این ترجمه می‌باشد: «و ازشان نه بزه کاری دروغ زن را فرمان بر و نه ناسپاس گرویده را» (میبیدی؛ ۱۳۸۲: ۳۱۵/۷). در این ترجمه به این نکته توجه شده است که می‌بایست از «بزه کاری دروغ زن» و «ناسپاس گرویده» هر دو اطاعت نشود.

با این توضیح، میبیدی ترجمه متناسب و دقیق با اباحه را به کار برده، ولی معنای «واو» را بر «یا» ترجیح داده است؛ اما شاه ولی الله دهلوی در ضمن ترجمه «أو» به «یا» توانسته است معنای اباحه

را رعایت کند. اما فولادوند معنای تخییر را از ترجمه‌اش، نزدوده است. پس باز هم نگاه شاه ولی الله دهلوی در بیان این معنا، دقیق‌تر است.

برخی هم به این نظرند که «اباحه» از حرف «أو» دانسته نمی‌شود؛ بلکه صیغه فعل امر یا نهی و قرائن حالات است که بر اباحه دلالت می‌نماید؛ مثل «جالس الحسن أو ابن سیرین» که «اباحه» از فعل امر دانسته می‌شود. نیز با اشتغال به یک عمل، معلوم نیست که مشغول به دیگری شده باشد؛ کسی هم که با حسن یا ابن سیرین، نشست، حتماً با هر دو نشست است. علاوه از این، جمع بین دو عمل مباح، باعث بر عصیان نمی‌شود؛ زیرا «أو» در اینجا معنای قطعی خود را ندارد. (سهیلی، ۱۴۱۲: ۱۹۹)

این نکته، شاید در این آیه نمود بیشتری یابد: «قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ * أَوْ يَفْعَلُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ» (شعراء: ۷۲ و ۷۳) به بت پرستان اعلام شده که آیا، بت‌ها، توان شنیدن کلام شما یا نفع رساندن به شما یا ضرر رساندن به شما را دارند؟ بت‌ها مجموعه این سه حالت را نمی‌توانند انجام دهند و دقیقاً «أو»، معنای اباحه دارد. این از حرف «أو» به تنهایی دانسته نمی‌شود؛ بلکه از استفهام انکاری برمی‌آید که هیچکدام از این حالات، قابل انجام نیست. شاه ولی الله دهلوی در ترجمه این آیه به برداشت مخاطب و ترجمه تحت اللفظی بسنده کرده است: «گفت: آیا می‌شنوند آواز شما را چون می‌خوانید یا سودی رسانند بشما یا زیان می‌دهند؟» (دهلوی، ۱۴۱۷: ۵۳۹) پس در این آیه، از استفهام انکاری برای مضمون جمله و بیان اباحه کار گرفته شده است.

استفهام انکاری در ترجمه میبیدی و فولادوند نیز نمایان است: «[ابراهیم] گفت هیچ بشما نیوشند چون خوانید. یا بکار آیند شما را یا گزاینند.» (میبیدی، ۱۳۸۲: ۱۱۳/۷-۱۱۴)، «گفت: «آیا وقتی دعا می‌کنید، از شما می‌شنوند؟ یا به شما سود یا زیان می‌رسانند؟» (فولادوند، ۱۳۹۳: ۳۷۰)؛ اما استفاده از قید «هیچ» در ترجمه میبیدی، باعث شده که نسبت به دو ترجمه دیگر، مضمون اباحه، اهمیت بیشتری یابد و معنای دیگر حرف «أو» تضعیف شود.

۶-۲- شک

وقتی متکلم در بیان اجزای مطلبش، شک کرده است و نمی‌تواند یکی را برگزیند، منظور وی از استفاده «أو» در جمله، مختار بودن در انتخاب یکی یا عطف و امثال آن نیست؛ بلکه او فقط، شک خود را مطرح می‌کند که نمی‌تواند یکی را برگزیند. (ابن الصائغ، ۱۴۲۴: ۲ / ۶۹۵) در این موارد، نمی‌توان، صرفاً به معنای «یا» برای «أو» بسنده کرد؛ بلکه باید از قید دیگری استفاده نمود تا معنای شک را بهتر نمودار سازد. مضمون شک، با قیدهایی «شاید و احتمالاً» یا امثال این قیود بهتر دیده

می‌شود. لذا در ترجمه آیه « قَالُوا لَيْسَ لَنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ » (کهف: ۱۹) که اصحاب کهف، پس از سیصد سال از خواب بیدار شده‌اند اما نمی‌دانند یک، یا قسمتی از یک روز را خوابیده‌اند؛ آنها به یکدیگر می‌گویند: شاید یک روز یا قسمتی از یک روز را خوابیده باشیم. در ترجمه‌های مختلف، به صرف معنای تحت اللفظی اکتفا شده و به مخاطب واگذار شده تا این مضمون را برای خود تصور نماید. البته اینکه کل جمله، گفته اصحاب کهف است و شک در گفته آنان وارد شده است، با همان «یا» کاملاً نمایان است و تمامی ترجمه‌ها این نکته را بروز داده‌اند. ولی هیچ کدام از مترجمین، از کلمه یا قیدی بهره نگرفته‌اند که در کلام، معنای شک را وضوح بیشتری دهد: «بعضی گفتند: از ایشان که یک روز یا نیم روز.» (میدی، ۱۳۸۲: ۶۵۶/۵)، «گفتند درنگ کردیم روزی یا بعضی روزی» (دهلوی، ۱۴۱۷: ۴۲۹)، «گفتند: روزی یا پاره‌ای از روز را مانده‌ایم.» (فولادوند، ۱۳۹۳: ۲۹۵). «أو» در آیه «وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ» (صافات: ۱۴۷) مورد اختلاف علماست. فراء آن را به معنی «بل» دانسته و کوفی‌ها آن را به معنی «واو» و بصریین آن را برای «بهم» یا «تخیر» و ابن جنی در نسبت به بیننده، آن را به معنی «شک» گرفته است. (ابن هشام، ۱۹۸۵: ۹۲) در ترجمه دهلوی، ضمن رعایت ترجمه تحت اللفظی، از فعل غایب «باشند» استفاده شده که معنای شک را بیان کند. گویا دهلوی با استفاده از وجه فعل، این معنا را رسانده است: «فرستادیم او را بسوی صد هزار یا بیشتر آن باشند.» (دهلوی، ۱۴۱۷: ۶۵۹) ولی در دو ترجمه دیگر به ترجمه تحت اللفظی از این مضمون اکتفا شده است: «فرستادیم او را بصد هزار مردم و بیش از آن.» (میدی، ۱۳۸۲: ۳۰۲/۸)، «او را به سوی یکصد هزار [نفر از ساکنان نینوا] یا بیشتر روانه کردیم.» (فولادوند، ۱۳۹۳: ۴۵۱) بنابراین، وجه فعل که مستند شاه ولی الله دهلوی است، ترجمه وی را دقیق‌تر نشان می‌دهد.

۷-۲- تبعیض

در آیه «وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا» (بقره: ۱۳۵) مضمون آیه، دال بر تعیین یکی از دو گروه یا صرف انتخاب بین این دو نیست؛ بلکه معنای آن، پخش شدن در بین این دو گروه است؛ یعنی هر یک از یهود و نصارا، راه هدایت را برای خود منحصر دانسته است و گفته‌اند که برای رسیدن به هدایت، به رویه آنان درآید. (ابن کثیر، ۱۴۲۰: ۱/ ۴۴۸) شاه ولی الله دهلوی و فولادوند در این آیه، ترجمه را تحت اللفظی نموده، از بیان این نکته بازمانده‌اند: «وگفتند: شوید یهود یا ترسا تا راه بیابید.» (دهلوی، ۱۴۱۷: ۲۹) «گفتند: یهودی یا مسیحی باشید، تا هدایت یابید.» (فولادوند، ۱۳۹۳: ۱۹). در ترجمه این دو، کسی در نمی‌یابد که یهودی، حاضر نیست، مسیحی را بر هدایت

بداند؛ مسیحی هم حاضر نیست، یهودی را بر هدایت بشمارد. میبدی در ترجمه خود، کاملاً به این نکته توجه داشته، جملات را بر هم، عطف کرده است؛ تا مضمون، با دقت بیشتری رعایت شود: «جهودان گفتند: جهود بید و ترسایان گفتند که ترسا بید.» (میبدی، ۱۳۸۲: ۳۶۹/۱) پس میبدی دقیقاً معنای تبعیض را به کار برده است؛ یعنی یهودیان گفتند که برای رسیدن به هدایت، فقط باید یهودی شوید و مسیحیان، گفتند که برای رسیدن به هدایت، فقط باید مسیحی شوید. با این توضیح، مشخص می‌گردد که شاه ولی الله دهلوی و فولادوند به این معنا دقت کافی نداشته است.

۲-۸- تقسیم

وقتی کل، را به اجزایش تقسیم می‌نمایند از حرف عطف «أو»، استفاده می‌کنند. در این صورت، معنای تقسیم استفاده شده است؛ مثل «الكلمه اسم أو فعل أو حرف». ابن مالک در منظومه الصغری، این معنای «أو» را تقسیم نامیده است؛ البته شرح الکبری، از این نامگذاری عدول کرده است و می‌نویسد: حرف «أو» را برای جدا کردن صرف، به کار می‌برند نه برای شک و ابهام و تخییر. مثلاً در این آیه قرآن «إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا» (نساء: ۱۳۵). (ابن هشام، ۱۹۸۵: ۹۲) شاه ولی الله دهلوی در ترجمه این آیه، فعل را در بین معطوف و معطوف علیه آورده و ذهن مخاطب را اینگونه به این سمت و سو متمایل می‌نماید که آن فرد، یا توانگر است یا فقیر: «اگر آنکه حق، بر وی ثابت می‌شود توانگر باشد یا فقیر، بهر حال، خدا مهربان‌تر است برایشان.» (دهلوی، ۱۴۱۷: ۱۴۴). پس به درستی توانسته به مخاطب، بفهماند که مدعی علیه، یا فقیر است یا توانگر. فولادوند نیز شبیه به ترجمه شاه ولی الله دهلوی انجام داده است: «اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد، باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است.» (فولادوند، ۱۳۹۳: ۱۰۰) میبدی در ترجمه این آیه، به جای اینکه عطف مفرد را بر مفرد نماید از عطف جمله بر جمله استفاده نموده است. این نکته‌ای که میبدی به کار برده، در حقیقت، نشان از دقت بالای وی برای فهماندن تقسیم، به مخاطب است؛ یعنی میبدی هر کدام از دو طرف را اگر توانگر باشد یا فقیر باشد با وظیفه‌اش بیان کرده و ترجمه‌اش، از دو مترجم دیگر برتری دارد: «اگر توانگر بود [در حق، آزرمدارید] یا درویش بود [ببخشائید] که خدای اولی‌تر بهر دو [حق، نزدیکتر بسزای گزارد و نگه‌داشت].» (میبدی، ۱۳۸۲: ۷۰۹/۲)

۳- نتیجه

"او" حرف ربط و در لغت به معنی "و"، یا، خواه، نه، ... است ولی در قرآن از نظر بلاغی، معانی مختلفی را در بر می‌گیرد مانند تخییر، ابهام..... و تقسیم؛ البته در کتب نحوی و تفسیری

اختلاف نظرهایی در مورد معنای به کار رفته در آیات مختلف وجود دارد. شاه ولی الله دهلوی، در بسیاری از آیات مورد بحث، معنای بلاغی را مد نظر داشته است؛ خصوصاً در تخییر، استدراک و ابهام و اباحه، اما در تبعیض و تقسیم، دقت کافی را نداشته است. میبیدی با توحه به تفسیری بودن ترجمه‌اش، توانسته نسبت به دو مترجم دیگر، امکان استفاده از کلمات بیشتری را در اختیار داشته باشد؛ یعنی علیرغم اینکه، در نوبت اول کتاب خود، ترجمه آیات را مطرح می‌کند اما چون همیشه در دو نوبت دیگر، مضامین تفسیری و عرفانی را بیان می‌نماید، ترجمه او چنین ویژگی خاصی را داراست. به همین جهت، توانسته با استفاده از عطف جملات، به جای عطف کلمات بر یکدیگر، یا استفاده از قیود مختلف در جملاتش، به معانی بلاغی نیز نزدیک شود و حتی در برخی موارد از دیگران هم برتر باشد. فولادوند نیز، توانسته با ترجمه‌ای ارتباطی و قابل فهم، تناسبی بین نقش کلمات عربی و معادل فارسی آنان، به کار گیرد. اما در اکثر موارد، فقط به «یا» ترجمه کرده و کمتر از معانی بلاغی حرف "او" استفاده کرده است. البته ترجمه فولادوند به ترجمه شاه ولی الله دهلوی، نزدیک‌تر است تا ترجمه میبیدی. این نکته در بسیاری از موارد ترجمه وی کاملاً مشهود است.

منابع

۱- قرآن مجید.

۲- ابن إسحاق، عبد الرحمن، *حروف المعانی والصفات*، محقق: علی توفیق الحمد، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۹۸۴.

۳- ابن الصائغ، محمد بن حسن، *اللمحه فی شرح الملحه*، محقق: إبراهیم بن سالم الصاعدی، مدینه منوره: عمادة البحث العلمي بالجامعة الإسلامية، چاپ اول، ج ۲، ۱۴۲۴.

۴- ابن کثیر، أبو الفداء، *تفسیر القرآن العظیم*، محقق: سامی بن محمد سلامه، دمشق، دار طیبه للنشر والتوزیع، ج ۸، ۱۴۲۰.

۵- ابن هشام، عبدالله بن یوسف، *معنی اللیب عن کتب الأعاریب*، محقق: د. مازن المبارک / محمد علی حمد الله، دمشق، دار الفکر، چاپ ششم، ۱۹۸۵.

۶- افخمی، علی و خلیفه لو، سید فرید، *شکر شکن دیار هند (ولی الله دهلوی، مترجم توانای قرآن)*، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال سوم، شماره ۶، بهار ۱۳۹۰.

- ۷- الهی قمشهای، مهدی، ترجمه قرآن، تهران، جمهوری، ۱۳۸۵.
- ۸- انصاریان، حسین، ترجمه قرآن با خط عثمان طه، تهران، آیین دانش، ۱۳۹۴.
- ۹- انصاری، مسعود، شکوه و زیبایی در ترجمه قرآن دهلوی، بینات، شماره ۱۲، ۱۳۷۵.
- ۱۰- دهلوی، شاه ولی الله، ترجمه قرآن (فتح الرحمن بترجمه القرآن)، مدینه منوره: مجمع ملک فهد، ۱۴۱۷.
- ۱۱- دینوری، ابن قتیبه، تأویل مشکل القرآن، تحقیق: سعد بن نجدت عمر، مؤسسه الرساله ناشرون، دمشق، ۱۴۳۲.
- ۱۲- سمین الحلبي، شهاب الدين، الدر المصون في علوم الكتاب المكنون، محقق: الدكتور أحمد محمد الخراط، دمشق، دار القلم، ۲۰۰۸.
- ۱۳- سهیلی، ابوالقاسم، نتائج الفكر في النحو للسهيلي، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۲.
- ۱۴- شرتونی، رشید، مبادئ العربيه في الصرف و النحو، ۴ج، تهران، دانش پرور، ۱۳۸۸.
- ۱۵- فخر الدين الرازي، أبو عبد الله محمد بن عمر، مفاتيح الغيب (التفسير الكبير)، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۲۰.
- ۱۶- فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن، با خط عثمان طه، تهران: پیام عدالت، ۱۳۹۳.
- ۱۷- مصطفی درویش، محیی الدین بن أحمد، إعراب القرآن و بیانه، ۱۰ج، سوریه، دارالإرشاد للشئون الجامعيه، ۱۴۱۵.
- ۱۸- مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، با خط عثمان طه، تهران: انتشارات امام علی بن ابیطالب، ۱۳۸۰.
- ۱۹- میبیدی، ابوالفضل رشید الدین، كشف الاسرار و عده الابرار، معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.
- ۲۰- ناظمیان، رضا، روشهایی در ترجمه از عربی به فارسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، چاپ ششم، ۱۳۹۰.